

گاهی ما فرض می‌کنیم دلایل‌شان مذهبی است اما در حقیقت دلیل دیگری دارند. مثلاً در شمال لندن، اجتماعی از یهودیان ارتدوکس زندگی می‌کنند. نرخ واکسیناسیون سرخک در آن‌ها بسیار پایین بود و تصورمان این بود که دلایل مذهبی دارد. اما وقتی سراغ مادران رفتیم و صحبت کردیم، متوجه شدیم مسئله اصلی‌شان با واکسن سرخک، مسئله تدارکاتی بود.

در یک پیامش، افراد مخالف واکسیناسیون به چند دسته تقسیم شده بودند: افرادی که سؤالاتی دارند، افراد نگران، افراد مشکوک به واکسن، و افرادی که فعالانه علیه واکسن فعالیت می‌کنند. آیا حکومت باید رویکردهای متفاوتی در قبال این دسته‌ها پی بگیرد؟

این دسته‌بندی معقولی است و قطعاً باید رویکردهای متفاوتی برای آن‌ها اتخاذ کرد. همچنین کسانی هم هستند که مخلوطی از این نگرش‌ها را دارند. در کل، باید به وضعیت شخص دقیق نگاه کرد. برخی به طور کلی مشکل جدی ندارند جز چند نگرانی که می‌توان آن‌ها را نسبتاً ساده مرتفع ساخت. مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که پای باورها یا بدفهمی‌های مذهبی به میان می‌آید. یک مشکل بزرگ دیگر درباره واکسن کرونا این است که بی‌اعتمادی شمار زیادی از مردم در بسیاری از کشورها به حکومت، شدیدتر شده. آن‌ها به نحوه مدیریت همه‌گیری کرونا توسط حکومت اعتمادی ندارند، و به تبع آن، نظریه‌های توطئه نیز زیادتر شده‌اند.

ما طی دوازده سال اخیر بحث‌های موجود در رسانه‌های اجتماعی پیرامون واکسن‌ها را در دنیا رصد کرده‌ایم، چه مثبت یا منفی یا خنثی. از زمان وقوع همه‌گیری کرونا، گفت‌وگوهای منفی و توطئه‌محور پیرامون واکسن، رشد انفجاری داشته‌اند. دغدغه فعلی من این است که چه باید کرد؟

حُب، چه باید کرد؟!

ببینید، مشکل دیگر این است که این مسئله بر اعتماد کلی مردم به واکسن‌های «نرمال» هم اثر گذاشته است. من با اطمینان زیادی می‌توانم بگویم که در سال‌های آینده موارد ابتلاء به سرخک هم بیشتر خواهد شد چون طبق گزارش یونیسف، برخی افراد به خاطر کرونا، واکسن سرخک هم نزده‌اند.

من اگر جای حکومت بودم، کار را با قدم‌های مشخص و ملموس شروع می‌کردم. احساسات و نگرش‌های مردمی را نمی‌توان یک شبه بهبود داد. این احساسات و نگرش‌ها یک شبه خراب می‌شوند اما درست کردن‌شان بسیار بیشتر طول می‌کشد. شاید بهتر باشد که در آغاز، روی چند واکسن ساده‌تر که مردم با روالش آشنا ترند تمرکز کرد، مثلاً واکسن‌های کودکان از قبیل سرخک یا فلج اطفال، و اعتمادسازی را حول آن‌ها آغاز کرد. وضع زندگی مردم در چند سال گذشته بسیار بلا تکلیف و نامطمئن بوده؛ لذا به قدری حس‌آشنایی و تداوم نیاز دارند. فقط از آنجاست که می‌توان بازسازی قدری اعتماد را آغاز کرد.

هدف‌گذاری پس از تزریق دُز اول واکسن باید چه باشد؟

طبعاً باید مردم را ترغیب کرد که حداقل دُز دوم، و در حالت ایده‌آل یادآور، را بزنند. ولی بیشترین تأثیر را جایی دیده‌ایم که واکسن‌ها همراه با قرار گرفتن طبیعی در معرض ویروس، از طریق محیط یا افراد پیرامون، بوده‌اند. شواهد علمی کافی نیز مبنی بر تأثیرگذاری دُز دوم و سوم داریم. آنچه باید انجام دهیم این است که این اطلاعات